



پژوهشکده گیلان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

زن در فرهنگ گیلان، با تکیه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی

از:

فاطمه محمدی

استاد راهنما:

دکتر عباس خائفی

شهریور ۱۳۹۲



پژوهشکده گیلان‌شناسی

ایران‌شناسی

(گرایش فرهنگ مردم، آداب، رسوم و میراث فرهنگی)

زن در فرهنگ گیلان، با تکیه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی

از:

فاطمه محمدی

استاد راهنما:

دکتر عباس خائفی

استاد مشاور:

دکتر سید هاشم موسوی

شهریور ۱۳۹۲

هر آنکه جانب اهل خدا نکه دارد

خداش در همه حال از بلا نکه دارد

حدیث دوست نکویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نکه دارد

دلا معاش چنان کن که کربلغا ز پای

فرشته ات به دو دست دعا نکه دارد

کرت هواست که معشوق نگسلد بیان

مگاه دار سر رشته تا نکه دارد

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم، که بزرگترین سرمایه‌ی زندگی ام هستند.

تقدیر و تشکر

خداوند منان را سپاسگزارم که در سایه مهر و الطاف بی‌پایانش توانستم محارث این پایان نامه را به پایان برسانم. به تحریر شدن این اثر بیش از همه مدیون زحمات و راهنمایی‌های بی‌دریغ استاد ارجمندم جناب آقای دکتر عباس خائفی می‌باشم که به‌حق، رهنمودهای ارزنده‌شان در پشت تک‌تک کلمات این کار نهفته است.

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر سید هاشم موسوی به دلیل مساعدت و راهنمایی‌های ارزنده‌شان کمال تشکر را دارم. از دوستان عزیزم دکتر زینت زرنیدی، عزت السادات مطهری، زهرا اعلایی، سمانه وظیفه‌دان و مهدی نصر اصفهانی که در انجام این تحقیق صمیمانه همکاری نمودند سپاسگزار می‌نمایم.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
چکیده فارسی	ج.....
چکیده انگلیسی.....	ج.....
مقدمه	۱.....
فصل اول: کلیات.....	۳.....
۱-۱ طرح مسأله	۴.....
۲-۱ اهداف تحقیق	۵.....
۳-۱ ضرورت تحقیق	۶.....
۴-۱ سوالات تحقیق	۶.....
۵-۱ مشکلات تحقیق	۶.....
۶-۱ روش تحقیق	۶.....
۷-۱ جامعه‌ی مورد مطالعه	۷.....
۸-۱ پیشینه‌ی تحقیق	۸.....
فصل دوم: ادبیات تحقیق.....	۱۱.....
۱-۲ مفاهیم واژگان	۱۲.....
۱-۱-۲ ضرب المثل	۱۲.....
۲-۱-۲ فرهنگ	۱۲.....
۳-۱-۲ فولکلور	۱۳.....
۲-۲ نظریه‌ها	۱۳.....
۱-۲-۲ فرهنگ در گذر تاریخ	۱۳.....
۲-۲-۲ زن در اجتماعات اولیه	۱۴.....
۳-۲-۲ زن‌سالاری یا مادرشاهی	۱۵.....
۴-۲-۲ تغییر وضعیت از زن‌سالاری به مردسالاری	۱۷.....
۵-۲-۲ زن در اساطیر ایرانی	۱۸.....
۱-۵-۲-۲ ناهید	۱۹.....
۲-۵-۲-۲ مادر-الهه	۱۹.....
۳-۵-۲-۲ جهی، دختر-همسر اهریمن	۲۱.....
۶-۲-۲ زن در حماسه‌ی ایرانی	۲۴.....
۷-۲-۲ زن در دین	۲۶.....
۱-۷-۲-۲ زن در متون دینی زردشتی	۲۷.....
۲-۷-۲-۲ زن در اسلام	۲۸.....
۸-۲-۲ فمینیسم	۳۰.....

- ۳۱..... ۹-۲-۲ کلیشه‌های جنسیتی
- ۳۳..... ۱۰-۲-۲ محرومیت‌های اجتماعی زنان
- ۳۶..... فصل سوم: زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی
- ۳۷..... ۱-۳ زن در فرهنگ گیلان
- ۳۹..... ۲-۳ زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی
- ۳۹..... ۱-۲-۳ ازدواج و گشایش بخت
- ۴۳..... ۲-۲-۳ زن در مقام عروس
- ۴۳..... ۱-۲-۲-۳ وابستگی اقتصادی زن به شوهر و ناملايمات خانه‌ی شوهر
- ۴۵..... ۲-۲-۲-۳ تقابل مادرشوهر و عروس
- ۴۹..... ۳-۲-۲-۳ تقابل مادرزن و داماد
- ۵۰..... ۴-۲-۲-۳ تقابل هووها و جاری‌ها
- ۵۲..... ۵-۲-۲-۳ جهاز
- ۵۳..... ۳-۲-۳ زن در مقام همسر
- ۵۸..... ۴-۲-۳ خانه‌داری
- ۶۰..... ۵-۲-۳ نقش معیشتی زن
- ۶۳..... ۶-۲-۳ زن در مقام مادر
- ۶۴..... ۱-۶-۲-۳ نقش زاینده‌گی زن
- ۶۶..... ۲-۶-۲-۳ عاطفه‌ی مادری
- ۶۸..... ۳-۶-۲-۳ اهمیت داشتن فرزندِ پسر
- ۷۰..... ۴-۶-۲-۳ نامادری
- ۷۱..... ۷-۲-۳ ضرب‌المثل‌های توهین‌آمیز به زن
- ۷۲..... ۱-۷-۲-۳ تحقیر دختران مسن
- ۷۲..... ۲-۷-۲-۳ کم‌خردخواندن زنان
- ۷۴..... ۳-۷-۲-۳ مایه‌ی سرزنش خواندنِ اموال زن
- ۷۴..... ۴-۷-۲-۳ عفاف و خویشتنداری زن
- ۷۶..... ۵-۷-۲-۳ کم‌ارزش خواندن و تحقیر زنان بیوه
- ۷۸..... فصل چهارم: نتیجه‌گیری
- ۷۹..... منابع
- ۸۴..... منابع فارسی
- ۸۷..... منابع لاتین

زن در فرهنگ گیلان، با تکیه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی

فاطمه محمدی

زن به عنوان عضو مؤثر هر اجتماع، که بخش قابل توجهی از جامعه را تشکیل می‌دهد، جایگاه درخور تأملی دارد که این جایگاه، متناسب با فرهنگ و پیشینه‌ی فکری هر جامعه، شکل می‌یابد. از این رو، مطالعه‌ی فرهنگ ما را به شناخت دقیق‌تر و گسترده‌تر عنصر زن می‌رساند. پژوهش حاضر با هدف شناخت جایگاه و وضعیت زن در فرهنگ گیلان، به بررسی این عنصر در ضرب‌المثل‌های گیلکی پرداخته است. از آن‌جا که جامعه‌ی ایرانی در مرحله‌ی گذار خود از نظام سنتی به مدرن است، لذا شناخت عوامل حاکم بر وضعیت زن، از جمله مردسالاری، ما را در شناخت راهبردهای لازم برای رهایی از قیود سنتی آشنا می‌سازد. در این مطالعه از روش پژوهش اسنادی یا اصطلاحاً کتابخانه‌ای استفاده شده است و در نهایت، موضوع‌های مختلف ضرب‌المثل‌های گیلکی دسته‌بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که زن گیلانی، علی‌رغم نقش مؤثرش در معیشت خانواده، همانند سایر زنان ایرانی، در جامعه‌ای مردسالاری زندگی می‌کند و «جنس دوم» تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: زن، فرهنگ، ضرب‌المثل، گیلان

Abstract

The Connotation of Woman in the Culture of Gilan People, Based on Gilaki Proverbs

Fatemeh Mohamadi

Women as important members of the community, making significant part of society, have a considerable position according to the cultural and intellectual background of society. Hence, study of culture leads us to recognition of women. This study attempts to identify role and position of women in Gilan culture using Gilaki proverbs. Since Iranian society is in the phase of transition from a traditional society to a modern one, recognition of factors affecting women position, including patriarchy, leads us to strategies needed to release from traditional constraints. Using documentary method called library method, the study classified Gilaki proverbs in different categories and analysed them. The results showed Gilan women, despite their significant role in economy of the family, like other Iranian women, live in a patriarchal society and considered as «second gender».

Keywords: women, culture, proverb, Gilan

مقدمه

زن عنصری است که هستی از او جان می‌گیرد و به واسطه‌ی اوست که انسان پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد. زن علی-رغم اینکه جنس لطیف به حساب می‌آید، بار بسیاری از داشته‌های اجتماع را بر دوش می‌کشد و به نسل آینده انتقال می‌دهد. اهمیت نقش وی را به ویژه در آیین باستان، در پرستش مادرالهه‌ها و ایزدبانوانی چون ناهید، که الهه‌ی عشق و باروری به حساب می‌آید، می‌توان مشاهده نمود. اگرچه زن در حوزه‌ی اساطیر، سرشت دوگانه‌ی اهورایی-اهریمنی دارد؛ گاه هستی‌بخش است و گاه مرگ‌آفرین؛ گاه شادی‌بخش است و گاه اندوه‌فزا، اما این تناقضات از اهمیت او نمی‌کاهد و برعکس، بر پیچیدگی و سرشت رازگونه‌ی وی تأکید می‌کند.

زن در اجتماعات اولیه نقش قابل ملاحظه‌ای داشت و موجبات ظهور بسیاری از هنرهای امروزی را فراهم آورد. مردان بسیاری از ترقیات اقتصادی و کشاورزی را مدیون ذوق و تلاش زنان در جوامع ابتدایی‌اند. این زنان بودند که مردان را از توحش به عصر نوسنگی و به دنبال آن، به مدنیت کشاندند (بهزادی، ۱۳۸۲: ۱۰۲). زن علاوه بر زاینده‌ی، که ویژگی منحصر به فرد و با اهمیت وی به حساب می‌آید، دامنه‌ی گسترده‌ای از امور زندگی، از کشاورزی تا هنرهای خانگی، را بر عهده داشت.

زن در اجتماعات مختلف با توجه به فرهنگ آن جامعه، دین و باورهای حاکم بر آن، در قالب‌های مختلفی شکل یافت. این قالب‌ها «کلیشه‌های جنسیتی» نامیده می‌شود که تصویر ذهنی یکنواخت و قالب‌بندی‌شده‌ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان است. بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های مختص به خود هستند، که منجر به انجام کارهای متفاوت می‌شود. برای مثال صفات منتسب به مردان، که زنان از آن بی‌بهره‌اند، شامل مواردی چون شجاعت، خطرپذیری و ماجراجویی می‌شود، در صورتی که صفات کلیشه‌ای زنانه مانند احساساتی‌بودن و محافظه‌کاربودن است، که چندان مثبت تلقی نمی‌شود.

فرهنگ مجموعه‌ای متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، قابلیت‌ها و عادات مکتسب همه-ی انسان‌های یک جامعه است. راه و رسم زندگی که در میان اعضای یک جامعه رایج است و افراد جامعه، مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق تعلیم و تربیت، آن‌ها را کم و بیش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند و در این راه معمولاً تغییر و تحولی اگرچه ناچیز باشد، هم در اجزای عناصر، و هم تا حدودی در کلیت فرهنگ روی می‌دهد. فرهنگ ارثیه‌ای اجتماعی است و زمینه و بستر و اساس رفتارهاست. به عبارت دیگر فرهنگ از پراکندگی نیازهای مادی و معنوی انسانی در جامعه می‌کاهد و آن‌ها را در شکل و محتوی، تقارن و وحدت می‌بخشد.

زنان، به مثابه بخش قابل توجهی از اجتماع، سهم غیر قابل انکاری در فرهنگ دارند. برای شناخت هر پدیده و عنصر باید رویکرد جامعه را نسبت به آن پدیده مورد بررسی قرار داد. زن صرفاً به واسطه‌ی صفات بیولوژیک خود، زن به شمار نمی‌آید، بلکه زن و زنانگی، عمیقاً تحت تأثیر فرهنگ و رویکرد جامعه نسبت به وی است. به عبارت دیگر، زن با توجه به باورها و

اخلاقیات اجتماع و نیز قوانین و رسوم حاکم بر آن، به قالب زن در می‌آید و طبعاً زن در اقوام و ملل مختلف، جایگاه، نقش و قالب متفاوت و ویژه‌ی همان قوم را دارد.

"ضرب‌المثل جمله‌ای کوتاه، مشهور و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی مشتمل بر تشبیه، استعاره و یا کنایه است که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلیت در میان مردم شهرت و رواج یافته است. ضرب‌المثل یکی از عناصر مهم ادب شفاهی است که کاربرد و گستردگی آن باعث شده است که نقش مهمی در فرهنگ‌سازی داشته باشد، زیرا مثل آینه‌ی فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، عقاید، اندیشه‌ها، طرز زندگی، منش، مناسبات، تمدن، اخلاق، و معیار ذوق ملت‌ها است. ضرب‌المثل باعث زنده‌نگهداشتن واژگان و کنایات و زبان هر ملت و موجب توانمندی و غنای آن است" (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۵).

یکی از راه‌های شناخت جامعه و فرهنگ، ضرب‌المثل‌هاست. در میان ادب شفاهی، ضرب‌المثل‌ها بخش قابل توجهی از فرهنگ شفاهی را تشکیل می‌دهند. کاربرد و گستردگی استفاده از ضرب‌المثل‌ها و شیوع و گستره‌ی وسیع آن‌ها باعث شده است نقش مهمی در فرهنگ‌سازی داشته باشند، زیرا مثل‌ها آینه‌ی فرهنگ و هنجارهای اجتماعی هستند. ضرب‌المثل بیانگر ارزش‌های اجتماعی مورد قبول جامعه و نشانه‌ی رفتار بهنجار است.

ضرب‌المثل آینه‌ی اجتماع و زمان است. بسیاری از نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ضرب‌المثل‌ها قابل مشاهده است، به طوری که می‌توان از طریق ضرب‌المثل‌ها به زوایای ذهن افراد یک جامعه‌ی مشخص پی برد. از آنجا که ضرب‌المثل نمود فرهنگ حاکم بر جامعه است و زن نیز به مثابه بخش مهمی از اجتماع، تحت تأثیر فرهنگ است، لذا با بررسی زن در حوزه‌ی ضرب‌المثل‌ها، می‌توان به رویکرد جامعه نسبت به او دست یافت.

زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی جایگاه ویژه‌ای دارد، همان‌طور که نقش او در معیشت و اقتصاد مردم گیلان غیر قابل انکار است. استان گیلان از لحاظ موقعیت جغرافیایی و وضعیت زندگی و معیشتی جایگاه ویژه‌ای در ایران دارد و از این جهت، موقعیت زن در آن نیز شکل خاصی به خود گرفته و قابل تأمل است.

هدف اصلی پژوهش، «بررسی جایگاه زن» در فرهنگ گیلان، با تأکید بر ضرب‌المثل‌های گیلکی است. چگونگی بازتاب زن در اجتماع نشانگر شرایط حاکم بر این عنصر است. برای مثال، طبعاً نمود زن در جامعه‌ی مردسالار متفاوت با نمود او در جامعه‌ای است که در آن زن به عنوان «جنس دوم» یاد نمی‌شود و دیدگاه جنسیتی چندان حاکم نیست.

این پژوهش با تحلیل ضرب‌المثل‌های گیلکی، جایگاه زن در فرهنگ گیلان و نقش و موقعیت وی را در جامعه‌ی گیلانی بررسی می‌کند. در نهایت، جایگاه زن در ساحت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و غیره، با توجه به این ضرب‌المثل‌ها بررسی می‌شود.

جامعه‌ی فعلی ایرانی، در مرحله‌ی گذار خود از شکل سنتی به مدرن قرار دارد، لذا ارزیابی جایگاه و موقعیت زن، به

عنوان عضو مؤثر بر این روند، ضروری می‌نماید. قطعاً زن با آگاهی بیشتر به وضعیت خود و با شناسایی قالب‌ها و کلیشه‌های جنسیتی تحمیل‌شده از سوی جامعه‌ی سنتی، به طور مؤثرتری از این گذار عبور می‌کند.

در این رساله از روش پژوهش اسنادی یا اصطلاحاً کتابخانه‌ای استفاده شده است. ضرب‌المثل‌های مربوط به زن از کتب مرجع ضرب‌المثل‌های گیلکی جمع‌آوری شده و سپس بر حسب موضوع تقسیم‌بندی شده است و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سوالاتی چند بوده است:

- ۱- زن تا چه اندازه در ضرب‌المثل‌های گیلکی بازتاب داشته است؟
- ۲- جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تربیتی و امثال آن چگونه است؟
- ۳- نقش معیشتی زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی، با توجه به شرایط جغرافیایی خاص استان گیلان و نقش مؤثر زن در امور کشاورزی، به چه صورت نمود یافته است؟
- ۴- با توجه به پیشینه‌ی مردسالاری در جامعه‌ی ایرانی، تا چه میزان این مسأله در ضرب‌المثل‌های گیلکی نمود دارد؟

این رساله در چهار فصل تدوین شده است: فصل اول به کلیات تحقیق می‌پردازد و پس از توضیحاتی پیرامون رساله، اهمیت و ضرورت کار را تبیین می‌نماید. فصل دوم با عنوان «ادبیات تحقیق»، به مفاهیم و نظریه‌های کلی راجع به زن می‌پردازد. در این بخش، سیر تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی زن، به طور مختصر، مطرح شده است و پس از بررسی جایگاه زن در پیش از تاریخ و نیز در جامعه‌ی دین‌مدار، در نهایت با طرح فمینیسم و کلیشه‌های جنسیتی و نیز محرومیت‌های اجتماعی زن به پایان می‌رسد. فصل سوم به مسأله‌ی زن در فرهنگ گیلان، و به طور دقیق‌تر، زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی می‌پردازد. در این فصل، گاه برای تبیین موضوع، علاوه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی، از سایر بخش‌های فولکلور گیلان، از جمله اصطلاحات، کنایات، دعاها و نفرین‌ها، ترانه‌های گیلکی و غیره نیز استفاده شده است. فصل چهارم نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته است و جایگاه زن در فرهنگ گیلان را با توجه به یافته‌ها بیان می‌کند.

فصل اول

کلیات

۱-۱ طرح مسأله

زن با تشکیل بخش قابل توجهی از اجتماع انسانی و ایفای نقش‌های نمادین و مهم، بار فرهنگ و داشته‌های اجتماع را به دوش می‌کشد و به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. زیرا او صرف‌نظر از موقعیت انسانی‌اش، جایگاهی دارد به نام مادر، که از نقش و تأثیر مهم و تربیتی آن نمی‌توان چشم پوشید.

فرهنگ، مجموعه‌ی آداب و رسوم و اخلاق اجتماعی است که از باورها و اعتقادات جامعه سرچشمه می‌گیرد. تعریف تایلور از فرهنگ بدین‌گونه است: "فرهنگ یا تمدن در معنی مردم‌شناختی و وسیع این واژه، مجموعه‌ی پیچیده‌ای است شامل شناخت، باورها، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم و هرگونه قابلیت و عاداتی که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است" (آشوری، به نقل از تایلور، ۱۳۸۶: ۱۱۲). هر جامعه با توجه به پیشینه و پشتوانه‌ی فرهنگی خود، که در طول تاریخ و با گذشت حوادث گوناگون شکل گرفته است، دارای باورها، اعتقادات و به تبع آن، سنن و آدابی است که پدیده‌های اجتماعی خود را در قالب آن شکل می‌بخشد و دیدگاه‌های ویژه‌ی خود را نسبت به هر پدیده اتخاذ می‌کند.

زن دارای نمودهای متفاوت و قابل توجهی در جامعه است و در هر فرهنگی جایگاه خاص خود را دارد. این جایگاه رابطه‌ی مستقیمی با عواملی که در طول زمان بر فرهنگ جامعه مؤثر بوده‌اند، دارد. این عوامل فرهنگی در طول زمان قالب‌هایی به زن بخشیده است و او در این قالب‌های مختلف، شخصیت خود را شکل داده است.

یکی از روش‌های بررسی عنصر «زن» در جامعه، مطالعه‌ی حوزه‌هایی است که به نحوی در آن از وی سخن به میان آمده است. یکی از این حوزه‌ها، که زن به خوبی در آن نمود و ظهور یافته است، فولکلور و به طور ویژه «ضرب‌المثل»‌های یک جامعه است.

ضرب‌المثل جمله‌ای کوتاه و مشهور است که در کمال ظرافت، اغلب با زبان و لحنی کنایه‌آمیز و گاه حتی طنز، حاوی اندرز و پند است و به دلیل شمول و کلیتی که در ماهیت آن نهفته است، در میان مردم یک جامعه مقبول افتاده است و رواج دارد. ضرب‌المثل یکی از عناصر مهم ادب شفاهی است که کاربرد فراوان آن در میان توده‌ی مردم، نشان از اهمیت و نقش آن در فرهنگ‌سازی دارد. ضرب‌المثل، چکیده و عصاره‌ی دیدگاه و منش مردم نسبت به پدیده‌های اطراف آن‌هاست. ضرب‌المثل به طور مختصر و مفید برخی پدیده‌های اجتماعی را نقد می‌کند و نگاه غالب اجتماع را نسبت به موضوع‌های مختلف تبیین می‌کند.

مثل رشته‌ی مخصوصی از ادبیات هر زبان است و بعضی آن را قدیم‌ترین آثار ادبی که از فکر انسان تراوش کرده است، می‌دانند و معتقدند که انسان پیش از آنکه شعر بگوید و خط بنویسد، اختراع مثال کرده و آن را در محاورات خود به کار برده است. مبدأ پیدایش مثل، به کلی مجهول است. مثل جمله‌ی کوتاهی است که از تجربه‌ای دراز تولد یافته است.

ضرب‌المثل در مطالعات مردم‌شناسی نیز مورد توجه است، زیرا افراد یک جامعه را با تمام وجود و بدون هیچ پیرایه‌ای در برابر ما قرار می‌دهد. "ضرب‌المثل جز آن که آیین‌های زندگی امروز است، انعکاس‌دهنده و سند معتبر فرهنگ، عقاید و باورهای گذشتگان نیز هست. مطالعه‌ی مثل به ما نشان می‌دهد که پدران و نیاکان ما چگونه فکر می‌کرده‌اند و ما را با روحيات آنان آشنا می‌سازد. از میان انبوه امثال می‌توانیم اساسی‌ترین مفاهیم فرهنگ اجتماعی، اقتصادی و آموزشی را استخراج و استنباط کنیم. از این رو، مطالعه‌ی مردم‌شناسانه، جامعه‌شناختی و تاریخی امثال برای محققان این رشته‌ها، روشن‌کننده‌ی بسیاری از حقایق خواهد بود؛ زیرا سال‌ها باید از عمر مثلی بگذرد تا آن که بر زبان مردم جاری شود و بسیاری از مثل‌های کهن را می‌یابیم که امروزه نیز جاری است. این نکته مبین این واقعیت است که خلیقات امروز مردم ما، شبیه به عادات و رسوم قرن‌ها پیش است" (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۹).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، امیل دورکیم ضرب‌المثل را بیان متراکم یک احساس، فکر و اعتقاد جمعی می‌داند که چون مابین تعدادی از افراد مشترک است، به صورت قاعده در می‌آید. او می‌افزاید: "ضرب‌المثل‌ها، پندها، کلمات قصار و حکیمانه و مانند این‌ها، در بین اقوام بدوی فراوان‌تر بوده است، اما به موازات توسعه‌ی جوامع، کاربری و تعداد آن‌ها کاهش یافته است" (دورکیم، ۱۳۶۹: ۱۸۴). اما با این وجود، در جامعه‌ی ایرانی که بسیاری از نمودهای فرهنگ و فولکلور خود را حفظ نموده، ضرب‌المثل هنوز هم رواج دارد و بدین لحاظ قابل بررسی است.

با توجه به اهمیت و پرکاربرد بودن ضرب‌المثل در زندگی روزمره‌ی مردم، و نیز ظهور و تبلور عقاید جامعه در آن‌ها، می‌توان نقش «زن» را در آن مورد بررسی قرار داد. این رساله به طور ویژه به بررسی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی می‌پردازد. زن در ضرب‌المثل‌های گیلان جایگاه ویژه‌ای دارد، همان‌طور که نقش او در زندگی معیشتی مردم گیلان غیر قابل انکار است و در بخش‌های مختلف زندگی، به ویژه کشاورزی و امور اقتصادی، حضوری پررنگ دارد. علاوه بر این، زن در ساحت‌های مختلفی چون نقش مادری، امور زندگی و خانه‌داری نیز قابل بررسی است.

۱-۲ اهداف تحقیق

هدف اصلی این رساله، بررسی جایگاه زن در فرهنگ گیلان، با تکیه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی است. این استان از لحاظ موقعیت جغرافیایی و وضعیت زندگی و معیشتی جایگاه ویژه‌ای در ایران دارد و از این جهت، موقعیت زن در آن نیز وضع ویژه‌ای به خود گرفته و قابل تأمل است.

برای نیل به این هدف، ابتدا جایگاه او را در ضرب‌المثل‌های گیلکی مورد ارزیابی قرار داده و بازتاب نقش و موقعیت وی را در آن‌ها بررسی می‌کند. در نهایت، جایگاه زن از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و امثال آن بررسی می‌شود و از این رهگذر موقعیت او در فرهنگ گیلان مشخص می‌گردد.

۳-۱ ضرورت تحقیق

زن در نتیجه‌ی الگوهای فرهنگی که جامعه به او داده است، جایگاه خود را پیدا می‌کند و شخصیت او علاوه بر ویژگی‌های زنانه‌اش، ابتدا تحت تربیت خانوادگی و سپس به طور گسترده‌تری در اجتماع و در قالب‌های فرهنگی، شکل و تثبیت می‌یابد. بررسی جایگاه زن در فرهنگ، ما را به شناخت رویکرد جامعه نسبت به وی می‌رساند.

ضرب‌المثل به نوعی خرد جمعی به حساب می‌آید که همانند ارثیه‌ای از دوران گذشته به ما رسیده است، لذا با بررسی آن می‌توان بر چگونگی تفکر در جامعه دست یافت و بی‌منطقی‌های موجود در این خرد جمعی را شناسایی کرد. از آن‌جا که جامعه‌ی ایرانی در مرحله‌ی گذار خود از نظام سنتی به مدرن است، لذا شناخت عوامل حاکم بر وضعیت زن، از جمله مردسالاری، ضروری می‌نماید. برای رهایی از قیود جامعه‌ی سنتی، که زن را به موجودی ایستا و منفعل تبدیل کرده است، ابتدا باید با این قیود آشنا شد و سپس به دنبال راه چاره‌ای برای رهایی از آن‌ها بود.

۴-۱ سوالات تحقیق

- ۵- زن تا چه اندازه در ضرب‌المثل‌های گیلکی بازتاب داشته است؟
- ۶- جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تربیتی و امثال آن چگونه است؟
- ۷- نقش معیشتی زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی، با توجه به شرایط جغرافیایی خاص استان گیلان و نقش مؤثر زن در امور کشاورزی، به چه صورت نمود یافته است؟
- ۸- با توجه به پیشینه‌ی مردسالاری در جامعه‌ی ایرانی، تا چه میزان این مسأله در ضرب‌المثل‌های گیلکی نمود دارد؟

۵-۱ مشکلات تحقیق

از آنجا که پژوهش حاضر، مطالعه در مورد زن در فرهنگ بوده است، لذا کمبود منابعی که به مسأله‌ی زن در ضرب‌المثل مربوط شود و در ضمن وی را از دیدگاه فرهنگی مورد بررسی قرار دهد، پیشینه‌ی تحقیق را دچار مشکل ساخته است و امکان مقایسه و تحقیق تطبیقی را از بین می‌برد. اگرچه در زمینه‌ی زن در فرهنگ ایرانی به طور کلی و به طور ویژه در حوزه‌ی زن و محرومیت‌های اجتماعی، آثار قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود، اما آثاری که از قوه‌ی تحلیل از لحاظ فرهنگی برخوردار باشد، بسیار اندک است.

۶-۱ روش تحقیق

در این رساله از روش پژوهش اسنادی یا اصطلاحاً کتابخانه‌ای استفاده شده است. ضرب‌المثل‌های مربوط به زن از کتب

مرجع ضرب‌المثل‌های گیلکی جمع‌آوری شده و سپس بر حسب موضوع تقسیم‌بندی شده است و در قالب این موضوع‌ها بررسی شده و با معادل‌های دیگر آنها مقایسه و تطبیق یافته است.

۷-۱- جامعه‌ی مورد مطالعه

"استان همیشه سبز گیلان از شمال به دریای مازندران، از جنوب به رشته‌کوه‌های البرز، از شرق به استان مازندران و از غرب و شمال غربی به استان اردبیل محدود است. گیلان با مساحتی حدود ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع، شمالی‌ترین استان کشور و مرکز آن شهر رشت است" (میراث فرهنگی، ۱۳۸۰: ۱۵).

"رابینو نام استان گیلان را مشتقی از کلمه‌ی اوستایی «varena»، نام ناحیه‌ای در شمال البرز، می‌داند که به مرور زمان در تلفظ به صورت «گیلان» درآمده است. عباس اقبال آشتیانی درباره‌ی ساکنان گیلان می‌نویسد: "طایفه‌ی گیل یا جیل یا گیله یا گیلک و قوم دیلم، دو تیره از ایرانیان آریایی‌نژاد بودند که از زمان بسیار قدیم در قسمت غربی ولایات ساحلی بحر خزر ساکن بودند" (همان، به نقل از اقبال آشتیانی، ۴۰). اهالی قدیم گیلان چند طایفه از شعب آریین بودند و طایفه‌ی مهم آن‌ها موسوم به «گل» یا «گیل» بوده و یونانیان آن‌ها را «کادوسی» یا «کاتریسی» می‌نامیدند.

گیلانی‌ها در آغاز به خدایان متعدد اعتقاد داشتند اما در زمان ساسانیان، بیشتر مردم گیلان زردشتی شدند. در روزگار قباد، گروهی از گیلانیان به این آیین گرویدند. بعد از سقوط ساسانیان و حمله‌ی اعراب به ایران، تا اواسط قرن سوم ه.ق، جنگ‌های خونینی بین دیلمان و اعراب صورت گرفت که نخستین آن در زمان عمر بود. آشنایی مردم گیلان با دین اسلام، توسط علویانی که از بیم خلفا به این سرزمین پناهنده می‌شدند، صورت گرفت. عموم مورخان معتقدند که نفوذ اسلام در گیلان و دیلمان از اواسط قرن سوم ه.ق آغاز شد و این تاریخ مصادف است با زمانی که رهبری عقیدتی نهضت‌های مردم ایران به دست شیعیان افتاد.

"گوش گیلکی، وابسته به زبان‌های آریایی است که قرن‌ها و هزاره‌ها در برابر نفوذ فرهنگ اقوام بیگانه موقعیت خود را حفظ کرده است. زبان‌شناسان، گیلکی را جزء زبان‌های شمال غربی ایران یا گروه زبان‌های ایرانی کرانه‌ی دریای کاسپی می‌دانند. منوچهر ستوده تقسیم‌بندی کاملی از گوش‌های گیلانی ارائه کرده است:

۱- تالشی: در شاندرمن، ماسال، اسالم، گرگانرود و تالش‌دولاب

۲- گیلکی بیه‌پس: در غرب سفیدرود

۳- گیلکی بیه‌پیش: در شرق سفیدرود

۴- گالشی: زبان مردم کوهپایه‌ی گیلان

۵- کرمانجی: زبان مردم عمارلو و از گوش‌های کردی

۶- تاتی: گویش مردمان چند ده از روستاهای رودبار زیتون و فاراب عمارلو

برخی لغات گیلکی با لغات زبان‌هایی ایرانی کهن مانند اوستایی، پهلوی و نیز فارسی دری کهن مشابه و هم‌ریشه‌اند، مانند: توم (=تخم)، ورزا (=گاو نر)، چیچال (=ولرم)، دیو (=هار)، ری (=پسر)، زاک (=بچه) (همان، ۴۵-۴۷).

۸-۱ پیشینه‌ی تحقیق

منابع و مراجع اصلی این رساله، کتب فرهنگ ضرب‌المثل‌های گیلکی بوده است که از میان آن‌ها ضرب‌المثل‌های مربوط به زنان انتخاب شده است. مهم‌ترین این منابع به ترتیب، شامل فرهنگ‌های زیر است:

- «فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات گیل و دیلم»، محمود پاینده لنگرودی، (۱۳۷۴)
- «واژه‌نامه گویش گیلکی، به انضمام اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی»، احمد مرعشی، (۱۳۶۳)
- «فرهنگ لغات و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی»، احمد مرعشی، (۱۳۵۵)
- جادکفته گبان «گویش رشتی»، علی اکبر مرادیان گروسی، (۱۳۸۶)
- «ضرب‌المثل‌های گیلکی (به گویش مردم نواحی شرق گیلان)»، علیرضا نوربخش، (۱۳۸۱)
- «فرهنگ گیل و دیلم (فارسی به گیلکی)»، محمود پاینده لنگرودی، (۱۳۶۶)

منابع و به ویژه مقالات بسیاری «زن» را از دیدگاه‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، ادبی، اسطوره‌ای، فرهنگی و امثال آن بررسی کرده‌اند که از این میان، منابعی که به حوزه‌ی ادب و فرهنگ و فولکلور ایرانی پرداخته باشد، بیشتر مورد توجه این رساله بوده است.

در حوزه‌ی ضرب‌المثل‌های مربوط به زن، تنها اثری که به صورت دقیق‌تر به این مسأله پرداخته است، مقاله‌ی «زن در ضرب‌المثل‌ها»، اثر سمیرا کلهر (۱۳۸۰)، چاپ کتاب ماه هنر است. در این مقاله، ضرب‌المثل‌های فارسی مربوط به زن، از دیدگاه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. کلهر در ابتدا به ساخت روابط زن و مرد در ایران پرداخته است و نیازهای انسان را به چهار دسته‌ی نیازهای جسمی، امنیت اجتماعی، روابط اجتماعی و محبت تقسیم‌بندی می‌کند. وی معتقد است زن و مرد بخشی از این نیازهای یکدیگر را برطرف می‌کنند. در بخش نیازهای جسمی، زن را از لحاظ زیبایی و تأمین لذت جنسی مورد بررسی قرار می‌دهد و ضرب‌المثل‌هایی که حاکی از وجوب عفاف‌ورزی برای زن است را مطرح می‌کند: «زن مستور شمع خانه بود/ زن شوخ آفت زمانه بود». نیازهای اقتصادی را نیز بعد دیگری از نیازهای جسمی عنوان می‌کند و سلطه‌ی اقتصادی مرد بر زن را در قالب مثل‌هایی چون «در نمک ریختن به دیگ، باید پشت به مرد کرد» نشان می‌دهد. در بخش نیاز به امنیت اجتماعی، وی معتقد است این نیاز زن بیشتر در قالب قدرت‌نمایی و سلطه‌ی مرد بر زن ظهور یافته است: «شوهر خدا/ زن است». در بخش نیاز به روابط اجتماعی، ضرب‌المثل‌هایی مطرح می‌شود که زن را بیشتر به خانه‌نشینی و پارسایی دعوت می-

کند، تا ایجاد روابط گسترده‌ی اجتماعی: «به خانه نشستن بود کار زن/ برون کار مردان شمشیرزن». در بخش آخر نیز با ذکر چند ضرب‌المثل عنوان می‌دارد که زنان موجوداتی بی‌مهر و وفا خوانده شده‌اند و امثالی چون «وفا دادند به سگ، با زن ندادند» را به عنوان شاهد می‌آورد.

در حوزه‌ی ضرب‌المثل‌های گیلکی مربوط به زن، اثری که مشخصاً به این موضوع پرداخته باشد، مشاهده نشد. اما پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد محبوبه گلعلی‌پور سرولات، دانشگاه گیلان، با عنوان "تحلیل ضرب‌المثل‌های گیلان (گیلکی)" (۱۳۸۴)، به بررسی و تحلیل امثال گیلکی پرداخته است. اساس کار این پایان‌نامه بر پایه‌ی «فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات گیل و دیلم» پاینده لنگرودی است و مثل‌های برگرفته از این فرهنگ از لحاظ موضوعی به هفت محور به شرح زیر تقسیم‌بندی شده است: اخلاقی، قهرمان، شخصیت، تقدیر، باورها و آداب، کار و بومی-معیشتی، خانواده.

زن نیز به عنوان عنصر مؤثر در جامعه در برخی از بخش‌های این پایان‌نامه، به ویژه در محورهای بومی-معیشتی و خانواده بررسی شده است. در هر فصل، ابتدا مثل‌ها به صورت جداگانه در قالب چندین صفحه ارائه شده‌اند و سپس آن‌ها را از لحاظ ریخت‌شناسی، فرم و ساختار، زیبایی‌شناسی، نشانه‌شناسی و محتوا مورد بررسی قرار داده‌اند. گلعلی‌پور معتقد است جوهره‌ی بسیاری از مثل‌های گیلان با مثل‌های اقوام دیگر مشترک است و امثال گیلکی صرفاً بومی و منحصر به گیلان نیستند. در فصل هفتم با عنوان «خانواده، زن و مردسالاری» بیشتر به عنصر زن می‌پردازد و بر نگاه منفی و مردسالارانه به زن اشاره دارد و نیز بر نقش مؤثر زن در حوزه‌ی معیشتی در استان گیلان تأکید می‌ورزد. از طرفی، داشتن فرزند پسر و ارجحیت آن بر دختر را، به دلیل ساختار سنتی و روستایی گیلان، که در آن پسر پشتوانه‌ی پدر در دوران کهولت و پیری است، مورد تأکید قرار می‌دهد.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زهرا هاشمی نیاکویی، (۱۳۸۸)، دانشگاه گیلان، با عنوان "بررسی ویژگی‌های اجتماعی گویش گیلکی شرق گیلان" نیز به نوعی به حوزه‌ی زن مربوط است. این پایان‌نامه‌ی نسبتاً قطور، در قالب هفت فصل به شرح زیر تدوین شده است: درآمدی بر زبان‌شناسی جامعه‌ی زبانی؛ جغرافیای گیلان؛ تأثیر جغرافیا بر زبان و اندیشه؛ زبان و فرهنگ؛ مشاغل و تأثیر آن بر زبان؛ خانواده، نظام خویشاوندی و زبان؛ برخورد زبان‌ها.

این رساله از فصل‌بندی بسیار ظریف و دقیقی برخوردار است و گاه حتی از ریزترین مباحث نیز غفلت نورزیده است و از زیرفصل‌های فراوان با تنوع موضوعی و گستردگی قابل توجهی برخوردار است.

در جای‌جای این پایان‌نامه، بنا به تنوع و گستردگی مباحث مطرح‌شده، سخن از زن به میان آمده است. برای مثال آن - جا که صحبت از نمادهای فرهنگی گیلان می‌شود، درخت نماد باروری و نیز نماد مردسالاری ذکر شده است. یا در جایی دیگر در زیرفصلی به نام «تفرین و دعا»، از تفرین‌هایی که به افراد مختلف، از جمله به دختران و زنان می‌شود، نمونه‌هایی ذکر شده است.

هاشمی نیاکویی در فصل «خانواده، نظام خویشاوندی و زبان»، که به طور ملموس‌تری به زن پرداخته، به بررسی ساختار خانواده می‌پردازد و طبقه‌بندی انواع خانواده (هسته‌ای، گسترده؛ کشاورز و رعیت، خوش‌نشین) را مطرح می‌کند. سپس ساختار خانواده را بر اساس سلسله مراتب اعضاء (مرد، زن، روابط خویشاوندی، خویشاوندان سببی، رضاعی و ناسازگار) مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش مرد، بر پدیده‌ی مردسالاری، به طور کلی و نیز در شرق گیلان، تأکید می‌کند. در قسمت زن، به نقش پررنگ او در معیشت گیلان اشاره دارد و سپس زن را در حوزه‌ی مناسک گذر، از تولد گرفته تا ازدواج و فرزندآوری و مرگ، بررسی می‌کند. در این قسمت بر ارجحیت داشتن پسر در جامعه‌ی سنتی گیلان تأکید می‌شود.

در بخش روابط خویشاوندی به خویشاوندان ناسازگار، از جمله عروس و مادرشوهر، هووها، جاری‌ها و نامادری می‌پردازد و در این میان از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی نیز برای روشن شدن مطلب استفاده می‌کند. حضور زن در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات گیلکی این پایان‌نامه، عمدتاً در حوزه‌ی مسائل زن و زنانگی قرار می‌گیرد و کمتر نمونه‌هایی دیده می‌شود که وی را از دیدگاه کلی انسانی مورد توجه قرار دهند و کلیشه‌های جنسیتی در آن ظهور و نمود پیدا نکند.

نکته‌ی قابل ذکر این است که هیچکدام از دو پایان‌نامه‌ی فوق‌الذکر (گلعلی‌پور سرولات و هاشمی نیاکویی)، فصلی به نام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ندارند و این مسأله یکی از نقاط ضعف این پژوهش‌ها به حساب می‌آید.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مریم یوسفی نصیرمحله، با عنوان "نگاهی به مسائل جامعه‌شناختی گویش تالشی"، (دانشگاه گیلان) (۱۳۸۴)، نیز مورد توجه است. این پایان‌نامه شامل هفت فصل است: درآمدی بر زبان و زبان‌شناسی؛ زبان، جامعه و جامعه‌شناسی زبان؛ قوم تالش؛ برخورد زبانی؛ خانواده و نظام خویشاوندی (خانواده‌ی کلان، گسترده، ناقص و ازدواج درون‌گروهی و برون‌گروهی و غیره)؛ کار و معیشت؛ و مثلث زبان. در فصل پنجم، «خانواده و نظام خویشاوندی»، ضرب‌المثل‌هایی برای تبیین مبحث ازدواج، مردسالاری و ارجحیت فرزند پسر بر دختر در ساختار خانواده‌ی سنتی و روستایی گیلان، مطرح شده است.

زن در حوزه‌های مختلف از جمله در رمان‌ها، اشعار شاعران و ترانه‌های عامیانه نیز بررسی شده است که گاه در این رساله از آن‌ها نیز بهره گرفته شده است. در این میان، از شاهنامه‌ی فردوسی بیشتر استفاده شده است و زنان شاهنامه، بیشتر با نگاهی فمینیستی، در بخشی جداگانه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.